

قَمچینِ نَفرت و تَکفیر بر فرقِ «نوروز»

محمد اکرام اندیشمند

نوروز و فرهنگ گرامیداشت از نوروز را برخی آدم‌ها حتی با نام و آدرس عالم دین از منبر مساجد با تازیانهٔ نفرت و تکفیر می‌بندند و آن را مظهر شرک و گناه معرفی می‌کنند، در حالی که در برابر جنایات و گنهکاری فرقه‌های سررُبر و انتحاری که خود را در درون مساجد و میان نمازگزاران منفجر می‌سازند و سر انسانها را همچون حیوانات ذبح می‌کنند، ساکت میمانند و واکنشی نشان نمیدهند.

نوروز، سرآغاز فصل بهار است؛ فصل تلاش و امید، فصل بیداری و کار، فصل بذر و رویش، فصل پاکی و صفایی. با چنین ویژگیهای نوروز و فصل نوروزی است که برخی از جوامع انسانی به گرامیداشت و استقبال این روز می‌روند و از آن به عنوان روز عید و روز جشن تجلیل می‌کنند.

استقبال از نوروز و برپایی جشن نوروز در واقع، استقبال از تلاش و آرزو برای زندگی است. وقتی انسانها به پذیرایی نوروز و فصل نوروز می‌روند، در واقع تصمیم و آمادگی خود را برای کار و تأمین آرزوها در یکسال دیگر از حیات خویش اعلان می‌کنند.

استقبال و تجلیل از نوروز ریشه در فرهنگ انسانی دارد که ممکن است عمر این گرامیداشت به آغاز عمر آدم‌ها در سیارهٔ زمین برگردد، اما شاید نحوهٔ تجلیل جوامع انسانی از نوروز در درازای زمان و در پهنای جغرافیای حیات آدم‌ها بگونهٔ متفاوت نمود یافته باشد. صرف نظر از اشکال متفاوت تجلیل از نوروز در گذر زمان، جشن نوروز و گرامیداشت نوروز در زمان معاصر ما، نه مخالف و متعارض با اسلام و تعالیم اسلامی است و نه حکایت از آئین شرک و آتش پرستی دارد. بر خلاف، جشن نوروز در نگاه عقلایی و منطقی با آموزه‌های اسلامی که از تعالیم و معارف قرآن و سنت بر می‌خیزد، همسو و هماهنگ است. نوروز با ویژگیهای رویش و شگفتن در زمین، مظهر تبلور قدرت و عظمت خداوند است که در قرآن از آن به عنوان نشان و آیت این عظمت یاد می‌شود.

وقتی نوروز به عنوان روز پاکی و صفایی و به عنوان فصل بذر و بیداری و فصل کار و آرزو شناخته می‌شود، توصیه و تأکیدات بسیاری در آموزه‌ها و معارف اسلامی در عمل به آن ویژگیها قابل مشاهده است. پاکی و نظافت در حدیث پیامبر(ص) اجزای ایمان معرفی می‌شود و غرس نهال

بروی زمین از صدقات جاریه. انس بن مالک(رض) روایت می کند که پیغمبر اسلام (ص)گفت: ما مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا او يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ او انسان او بهيمة الا كان له به صدقة(هر مسلمانی که درختی را غرس کند و یا نباتی بکارد که مورد استفاده انسان یا حیوانی قرار گیرد، این برایش صدقه شمرده می شود).

نهاد شانی که نماد فرهنگ نوروزی به خصوص در افغانستان است به حدی مورد تأکید قرار می گیرد که به روایت دیگری از انس بن مالک، پیامبر اسلام(ص) فرمود: ان قامت الساعة وفي يدا أحدكم فسيلة فان استطاع أن لا يقوم حتى يغرسها فليغرسها(اگر قیامت برپا شد و در دست یکی از شما نهالی برای غرس کردن بود، قبل از برپایی قیامت آن نهاد را غرس کنید).

اما چرا عالمان دین ای که پیغمبرش پاکی و صفایی را جز ایمان آن دین می خواند و غرس نهاد را صدقه جاریه، مردم را از منبرها به خصوص از منابر مساجد شهر کابل به صفایی و پاکی و نهاد شانی این پایتخت ناپاک و آلوده فرا نمی خوانند و برخلاف، خشم و نفرت خود را بر سر جشن نوروز و فرهنگ تجلیل از نوروز فرو می ریزند؟

چرا شماری هر چند معدود در جامعه ما از فرهنگ تجلیل نوروز و جشن نوروزی به غیض و وحشت می افتند، اما در برابر خشونت و گشتار ددمنشانه طالب و داعش، سکوت و اغماض می کنند؟